**بسم الله الرحمن الرحیم  
مسجد، کانون انقلاب و بستر نشرفرهنگ ایثار و شهادت**

**ایجاد انگیزه:**

از جمله شعارهای اصلی دین اسلام را می توان توحید و شرک نورزیدن به خداوند[[1]](#footnote-2) نام برد. بهمین دلیل مشاهده می کنیم که خداوند در جای جای قرآن به این اصل اساسی اشاره کرده[[2]](#footnote-3) و برای تحقق این شعار الهی، تسلیم بودن در برابر خدا و صلح و آشتی با آن ذات ربوبی و در مقابل، جهاد و مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی این دین، برای پیاده کردن کلمه توحید در سراسر جهان و نجات انسانیت را تاکید و سفارش می کند. لذا یکی از اصولی که در فروع دین به آن اشاره می شود، بحث جهاد است.  
اساس آموزه‌های دین اسلام بر مبارزه همه‌جانبه علیه شیطان درونی توسط مبارزه با نفس و شیطان‌ بیرونی یعنی استکبار و کفر و الحاد است، چون این عوامل درونی و بیرونی، نورانیت موجود در فطرت انسان را تاریک و تیره می کنند و بشریت را از رسیدن به آن قله منیع منع می‌کنند و به همین دلیل است که بر جهاد تاکید و سفارش بسیاری شده است.

یکی از مراکز تحول ساز در جامعه‌ی اسلامی مساجد می باشند که محل و مامنی برای ایجاد تحول و دگرگونی برای افراد می باشند و در دوران دفاع مقدس مشاهده می کنیم که یکی از مراکزی که بسیار تاثیرگذار و موثر در بحث ایجاد روحیه‌ی ایثار و شهادت بوده است مساجد بوده اند. حال سوال این است امروز چگونه مساجد می توانند در تقویت روحیه‌ی ایثار شهادت موثر باشند؟

**اقناع اندیشه:**  
مبارزه با دشمنان بیرونی و درونی در فرهنگ اسلام، به نام «جهاد» شناخته می‌شود و دارای مراحل گوناگونی است. از جهتی آن‌را به «جهاد اکبر» و «جهاد اصغر» تقسیم کرده‌اند.  
جهاد اکبر، مبارزه‌ایست درونی، با شیطان نفسانی، برای رسیدن به طهارت باطنی و کسب «قلب سلیم».  
اما جهاد اصغر، مبارزه خارجی، با دشمنان بیرونی، برای پاک کردن جامعه از لوث وجود شرک، کفر و نفاق است.  
اما نکته‌ی قابل تامل و اشتراک میان هردو جهاد، ازبین بردن صفت شیطانی و کفرآلود و الحاد است که برای تحقق توحید به وسیله‌ی جهاد و تلاش و کوشش نیاز به ایثار و از خود گذشتگی است. همان کاری که شهدای اسلام از ابتدای آغاز شریعت اسلام تا به امروز در تحقق این امر هم پشت به مادیات و زرق و برق دنیا کرده اند(جهاد اکبر) و هم با کفر و الحاد مبارزه خارجی(جهاد اصغر) مبارزه کرده‌اند. در این بین می توان به شهدای صدر اسلام در بدر و احد و... مانند حنظله غسیل الملائکئه و شهدای صحرای کربلا و همچنین شهدای انقلاب و هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد.  
لذا یکی از مشترکات فرهنگ ایثار و شهادت را می توان تحقق کلمه‌ی توحید در درون خود و خارج از خود به و سیله‌ی جهاد نام برد. و احیای کلمه‌ی توحید چه در درون و چه در خارج را می توان یک حق عمومی دانست.  
شهید مطهری در مورد اینکه احیای کلمه‌ی توحید یک حق عمومی است یا شخصی می فرمایند:  
«دین یعنی صراط مستقیم، یعنی راه راست بشری. بی تفاوت در مسئله دین بودن، یعنی در راه راست بشریت بی‏تفاوت بودن. ما می‏گوییم توحید با سعادت بشری بستگی دارد، مربوط به سلیقه شخصی نیست، مربوط به این قوم و آن قوم نیست. پس حق با همان کسانی است که توحید را جزء حقوق بشریت می‏شمارند.»[[3]](#footnote-4)

**متن و محتوا**

**مسجد محلی برای تحقق جهاد**  
با این توصیفات که توحید به عنوان یکی از حقوق عمومی شمرده شده و از طرفی نیز این حق عمومی با جهاد و تلاش چه در امور درونی و چه در امور خارجی به و سیله‌ی ایثار و ازخود گذشتگی ایجاد می شود. لذا یکی از بهترین مکانها برای تحقق جهاد و در امتداد آن فرهنگ عظیم ایثار و شهادت مسجد است.  
ازجمله کارکردهای مسجد را می توان از همان آغاز ایجاد مساجد محلی برای تعلیم و تربیت و همچنین محلی برای اجتماع مردم در موضوعات مختلف و محلی برای رشد و بالنگی در جهت توحید دانست.  
اما چگونه می توان میان مسجد و فرهنگ جهاد که در امتداد آن ایثار و شهادت است، رابطه بر قرار کرد؟  
شاید بتوان پاسخ این سؤال را در داستان معروف که از پیامبر اسلام نقل شده است پیدا کنیم.  
گروهى از صحابه از غزوه‏اى مراجعت كردند و به‏طور دسته جمعى خدمت پیامبر بزرگوار اسلام رسیدند؛ سربازانی که تا ساعاتی پیش جان خود را در کف دست نهاده و برای مبارزه با دشمن راهی میدان شده و حالا تشنه و گرسنه و با زخم‌هایی بر بدن عازم خانه بودند.پیامبر به محض دیدن ایشان فرمودند: «مَرْحَباً بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجِهادَ الْاصْغَرَ وَ بَقِىَ عَلَیهِمُ الْجِهادُ الْاكْبَرُ؛ آفرین! آفرین بر مردمى كه از نبرد كوچك بازگشته‏اند و نبرد بزرگ بر آنها باقى مانده است». عرض كردند: «یا رسولَ اللَّه! وَ مَا الْجِهادُ الْاكْبَرُ؟؛ نبرد بزرگ چیست؟»  
فرمود: «جِهادُ النَّفْسِ‏» مجاهده با نفس امّاره از جهاد با انسان دیگر بزرگ‌تر است[[4]](#footnote-5).  
براین اساس از آنجا که مسجد مهم‌ترین و شاخص‌ترین مکان و محل برای اقامه نماز است و اقامه نماز یکی از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با هوای نفس و جهاد اکبر است، رابطه میان ایثار و شهادت معنا پیدا می‌کند. حتی می توان معنای ایثار و شهادت را از عناصر و ارکانی که در مسجد موجود است نیز، بخوبی می‌توان دریافت.  
یکی از ارکان مسجد را می توان محراب نام برد، محراب یعنی محل نبرد. کسی می‌تواند در میدان بیرونی پیروز و سربلند باشد که در میان درونی هم موفق شده باشد.کسی که در محراب نماز با دشمن درون خود و شیطان جنگیده، می‌تواند با دشمن بیرون هم بجنگد.  
مقام معظم رهبری در مورد این جایگاه مسجد می فرمایند:  
«مسجد بر محور چنین گوهری [نماز] شکل می‌گیرد؛ اجتماعی است بر گِرد یک‌چنین حقیقت درخشانی. بنابراین مسجد اهمّیّت دارد، پایگاه است؛ همچنان‌که معروف شده در زبانها واقعاً پایگاه است. نه‌فقط پایگاه برای فلان مسئله‌ی اجتماعی، [بلکه‌] مسجد می‌تواند، پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدّن اسلامی و بصیرت‌افزاییِ افراد؛ و هَلُمَّ جَرّا. مسجد یک چنین جایگاهی است.»[[5]](#footnote-6)  
مقام معظم رهبری دقیقا هم جایگاه جهاد درونی را در مسجد بیان داشته اند و هم جایگاه جهاد بیرونی را که از شاخصه های جهاد درونی خودسازی، انسان سازی، تعمیردل بیان داشته اند و از خصو صیات جهاد بیرونی انسان سازی و مقابله‌ی با دشمن و همچنین مقدمه‌ی ایجاد تمدن اسلامی بیان می دارند.

**مسجد محلی برای تربیت مبارزان انقلابی**با توجه به ماهیت دین اسلام، که توام با تحول، رشد و انقلاب در درون افراد و در محیط خارج است، بطور طبیعی این دین تعریف خاصی از انقلاب داشته و اصول مشخصی نیز برای یك انقلاب اسلامی بر می‌شمارد.  
نهضت انقلابی در اسلام حركتی است كه ضمن برخورداری از خصائص دینی، برای تأمین هدف یا اهداف خاص مادی و معنوی جامعه اسلامی بوجود آمده باشد.  
انقلاب مورد نظر اسلام انقلابی است كه تمام خصوصیات و عوامل موجود در آن از محتوا و روش و هدف گرفته تا رهبری، و خصوصیات دیگر آن كاملاً بر مبنای احکام اسلامی می باشد و در این انقلاب بر محوریت احکام اسلامی در راستای تأمین و تحقق ارزشهای الهی برپا شده است.  
لذا شعارهای دین اسلام را می توان بر محوریت اعتلای توحید، زمینه سازی برای انجام تکالیف الهی، بر قراری عدالت دانست.  
همین شعارهار را دقیقا می‌توان در انقلاب اسلامی ایران و توسط رهبری این انقلاب یعنی امام خمینی و در امتداد ایشان رهبر معظم انقلاب اسلامی مشاهده کرد.  
امام خمینی در مورد حکومت اسلامی که توسط انقلاب بنا نهاده شده است می فرمایند:  
«ما جمهورى اسلامى لفظى نخواستیم؛ اینكه ما دائماً راجع به این معنا سفارش مى‏كنیم كه باید حالا كه رژیم، رژیم اسلامى شده است، محتوا محتواى اسلامى باشد، براى این است كه یك مملكتى مدعى است من مسْلم هستم، افرادش ادعا مى‏كنند كه ما مسْلم هستیم لكن در بسیارى جاها دیده مى‏شود كه پایبند احكام اسلام نیستند. بسیارى از اشخاص ادعاى اسلام مى‏كنند، همان ادعاست؛ دیگر در عمل وقتى كه مشاهده بكنید مى‏بینید كه خبرى از اسلام نیست. ما كه مى‏گوییم حكومت همان طور كه اسلامى است، محتوایش هم اسلامى باشد، یعنى هرجا كه شما بروید، در هر وزارتخانه كه شما بروید، در هر اداره كه شما بروید، در هر كوچه و برزن كه شما بروید، در هر بازار كه شما بروید، در هر مدرسه و دانشگاه كه شما بروید، آنجا اسلام را ببینید؛ احكام اسلام را ببینید. این براى این است كه ما حكومت اسلامى خواستیم. ما جمهورى اسلامىِ لفظى نخواستیم. ما خواستیم كه حكومت‏ اللَّه‏ در مملكتمان- و ان شاء اللَّه در سایر ممالك هم- اجرا بشود.»[[6]](#footnote-7)  
مقام معظم رهبری نیز در مورد انقلاب اسلامی و اهداف ان می فرمایند:  
« اساس حكومت اسلامی و شاخص عمده‌ی این حكومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیا و سلوك در صراط مستقیمی كه انبیا الهی در مقابل پای مردم قرار دادند.»[[7]](#footnote-8)  
لذا دقیقا باز می توان از خود نماز که در مسجد برگزار و تاکید بر جماعات در مسجد می‌شود، رابطه میان نماز و انقلابی گری را درک کرد.  
از خصوصیات نماز می توان به اذعان به توحید و مسئولیت پذیری نسبت به دیگران در اینکه حق الله را و حق الناس را به واسطه گفتن ایاک نعبد و ایاک نستعین بپا می دارم و همچنین می توان یکی از خصوصیات امام جماعت را نیز عدالت دانست اینکه اگر بخواهیم یک انقلاب و تحولی در خارج صورت پذیرد از رهبری تبعیت کنم که عادل و اگاه به حلال و حرام خدا باشد.  
بهمین دلیل مسجد می تواند مأمن انسانهای پاکی باشد که هم می خواهند در خود ایجاد تحول کنند و هم در جامعه.  
مقام معظم رهبری در مورد نقش مسجد در تربیت انقلابی گری و آغاز انقلاب ها از مساجد می فرمایند:  
«مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضتها و حرکتهای اسلامی بزرگی شده است. مثلاً قیام مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند -مثل الجزایر و دیگر کشورهایی که سالها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسویها بودند- از مساجد شروع شد، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب در این کشورها هم، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملّتها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمانِ مساجد قطع کردند. در صدر اسلام هم، در زمان نبىّ مکرّم اسلام(صلی‌اللَّه‌علیه‌وآله‌وسلّم) و همچنین در زمان حکومت با برکت امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاةوالسّلام)، مسجد مرکز همه تصمیم‌گیریهای مهم و کارهای بزرگ بود. نمی‌خواهیم از لحاظ وضع زمان، مسجد امروز را به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین تشبیه کنیم؛ زیرا اقتضاهای هر زمان متفاوت است. به‌طور کلّی مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیّت و معرفت، می‌تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد.»[[8]](#footnote-9)

**مساجد و روحیه‌ی ایثار و شهادت**قبل از اینکه به بحث در مورد رابطه‌ی مساجد و نقش آن در گسترش فرهنگ ایثار و شهادت توضیح دهیم. دو کلمه‌ی ایثار و شهادت را معنا کنیم.  
**ایثار**  
ایثار در لغت، یعنی قوت لازم را به دیگری بخشیدن، مقدم داشتن دیگران و ترجیح دادن آنان برخود در كلّ امور.[[9]](#footnote-10)  
**شهادت**  
واژه «شهادت» به معنای حضور همراهِ مشاهده است که این حضور یا به بَصَر است و یا به بصیرت. در اصطلاح دینی، شهادت آن است که آدمی به راه خداوند و در جهاد با دشمنان خداوند جان بازَد.  
اینکه چرا چنین کسی را «شهید» می‌نامند، یا برای این است که پس از شهادت، فرشتگان بر بالین، فرشتگان بر بالین او حضور می‌یابند و یا به این است که روح شهید پس از شهادت به محضر پروردگار مشرّف می‌شود[[10]](#footnote-11).  
شهید مطهری در مورد شهید می فرمایند:  
«مثل شهید، مثل شمع است كه خدمتش از نوع سوخته‌شدن و فانی شدن و پرتوافكندن است تا دیگران در این پرتو كه به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و كار خویش را انجام دهند.»[[11]](#footnote-12)  
این توصیفی که شهید مطهری از شهید و شهادت بیان می دارد دقیقا همان معنای ایثار و از خودگذشتگی است. شهید همان کاری را انجام می دهد که یک فردی که ایثار و از خود گذشتگی دارد، انجام می دهد.  
از جمله تأثیرات مهم مساجد در فرهنگ ایثار و شهادت می توان به دوران دفاع مقدس اشاره کرد. معمولا همین مساجد محلی برای آموزش، تعلیم و حتی پشتیبانی از میدانهای مبارزه برای هشت سال دفاع مقدس بودند.

**برای اینکه بتوان همچنان مساجد را در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت موثر دانست چند پیشنهاد بیان می شود.**  
**الف: جذب جوان و الگو سازی از شهدا**ما همیشه شاهد این بوده ایم كه مسجد نقش محوری به عنوان یك مرکز و كانون ترقّی برای بالا بردن سطح آگاهی های مردم و جذب و سازماندهی اقشار مختلف جامعه را داشته است. از جمله راهکارهای مهم در افزایش این پتانسیل اینکه ما می توانیم از همین كار ویژه مساجد استفاده نموده و برنامه های سالم، جذّاب و متنوّعی را برای جوانان، تدارك ببینیم و از این راه، چگونگی استفاده از نیروی جوانی را در مسیر صحیح آن به جوانان تفهیم كنیم و تشكیل چنین كانون هائی در مساجد كه توأم با فضای معنوی و آرامش بخش، باعث جذب بیش از پیش جوان ها به این مساجد خواهد بود.  
و همچنین می توانیم برای بالا بردن نوع نگاه و تفکرات جوانان و جهت ايجاد انگيزه براي انجام ايثار، ‌با فضيلت و اجر و ثواب ايثار و مقام ايثارگر در قرآن و احاديث آشنا کنیم.  
**ایثار و از خودگذشتگی در جان**  
می توان از خوابیدن امیرالمومنین در بستر پیامبر نام برد. «وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرى نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ [بقره/207] و بعضى از مردم براى به دست آوردن خشنودى خدا جان خويش را فدا مى كنند.  
**ایثار و از خود گذشتگی در مال**  
همچنین ايثار مالى خاندان پيامبر(ص)را خداوند چنين مى ستايد:  
«وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى حُبِّهِ مِسْكيناً وَ يَتيماً وَ اَسيراً [انسان/8] غذاى خويش را با آنكه آن را دوست دارند، به مسكين و يتيم و اسير مى خورانند.»

و از مصادیق دیگر برای ایثار در مال خداوند در قرآن انصار كـه در حال فقر و نداری به حمایت از بـرادران مهاجر خود، با تقسيم اموال وخانه هاى خويش پذيرايى كردند و آنان را بر خود مقدّم داشتند اين گونه تمجيد مى كند.  
«وَ يُؤْثِرُونَ عَلى اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ [حشر/9] ديگران را بر خود مقدم مى دارند، هر چند خود، فقير و نيازمند باشند.»  
ایثار واقعی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم شهادت دارد و در حقیقت باید گفت این دو مفهوم از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. آنجا که انسان مکتبی و دین مدار، خون پاكش را در راه پاسدارى از اسلام و ارزش هاى متعالی آن، تقدیم می کند، به بالاترين درجه ايثار رسيده و محبوب ترين مقام را نزد خدایش دارد.  
لذا خداوند نیز در مورد مقام شهدا که جان خود را در راه خداوند اهدا نموده اند می فرماید:  
« وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ [آل عمران/169] (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند ، مردگانند! بلکه آنان زنده اند ، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.»  
چنان كـه رسول خدا(ص) درباره ارزش خون پاك شهيدان راه خدا مى فرمايد: «ما مِنْ قَطْرَةٍ اَحَبُّ اِلَى اللّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَةِ دَمٍ فى سَبيلِ اللّهِ. هيچ قطره اى در پيشگاه خداوند، محبوب تر از قطره خونى كه در راه خدا ريخته مى شود نيست.»[[12]](#footnote-13)  
بهترین راه تبلیغ وارج نهادن به ارزشها، نمایش ارزشها است و به یقین شهدا به عنوان الگوهایی عملی بعد از انبیاء و اولیاء و همچنین ائمه معصومین بهترین و مشهورترین مصادیق ارزشهای ناب محمدی محسوب می شوند.  
لذا اگر جوانی اینگونه برای او سوال ایجاد شود که در این دوره و زمانه که کسی به کسی دیگر نگاه طعمه آلود داشته و نمی شود در این فضا با ارزشهای دین زندگی کرد در پاسخ می گوییم.  
یکی از بهترین الگوهایی که توانستند در این فضا با ارزشهای دینی زندگی کنند و از کمین گاه‌های دشمن، پیروز و سربلند بیرون آیند شهدا بودند.  
  
**ب: ارج و احترام به فرهنگ شهید و شهادت**بهترین راه صیانت از یک سرمایه، تبیین هزینه هایی می باشد که برای آن سرمایه صرف شده است. به عنوان مثال: وقتی پدری می خواهد فرزندش را به حفظ و صیانت از وسیله ای دعوت کند؛ برای او مدتی در مورد هزینه ای که صرف این وسیله‌ شده چه از حیث مادی و معنوی می پردازد، تا فرزندش قدر این وسیله را دانسته و از هدر رفتن و خرابی آن جلوگیری کند.  
در مورد جامعه نیز اگر بخواهیم قدر و ارزش حکومت اسلامی بر مبانی دین مبین اسلام را برای ملت عزیز توضیح دهیم باید در مورد هزینه هایی که در این راه برای حفظ وصیانت از ان شده است از ایثارگری ها، جانبازی ها، اسارتها، شهادتها و فراق و یتیمی ها... باید کاملا تبیین شود. و بهمین دلیل است که مقام معظم رهبری زنده نگه داشتن نام شهدا را کمتر از شهادت نمی دانند.  
اما زنده نگه داشتن یاد شهدا در مورد صیانت از انقلاب در داخل بسیار مهم است و حتی می توان این امر را در مقابل تهاجمات دشمنان نیز بسیار مهم قلمداد کرد. چون یکی از مهمترین پایه های استواری انقلاب اسلامی را می توان به فرهنگ شهید و شهادت دانست که دشمنان قصد دارند تا این فرهنگ را از میان جوانان ما ریشه کن کنند.  
آقای فوکویاما نظریه پرداز مشهور آمریکایی در مورد انقلاب اسلامی ایران می گوید:  
«شیعه، پرنده‌ای است كه افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده‌ای كه دو بال دارد: یك بال سبز و یك بال سرخ.  
فوکویاما بال سبز این پرنده را مهدویّت و عدالت خواهی و بال سرخ را شهادت‌طلبی كه ریشه در كربلا دارد و شیعه را فنا ناپذیر كرده است، معرفی می‌كند. وی معتقد است شیعه بُعد سومی هم دارد كه اهمیّتش بسیار است. او می‌گوید:  
این پرنده، زرهی به نام ولایت پذیری به تن دارد و قدرتش با شهادت دو چندان می‌شود. شیعه، عنصری است كه هر چه او را از بین می‌برند، بیشتر می‌شود...»[[13]](#footnote-14)  
بر همین اساس مشاهده می کنیم که دشمنان چه سرمایه گذاریهای عظیمی برای ازبین بردن فرهنگ شهادت طلبی در جامعه ی ما در حال انجام دادن هستند و لذا بهترین راه برای حفظ و صیانت از این آرمانها زنده نگه داشتن راه و هدف شهدا است.  
مقام معظم رهبری در این مورد می فرمایند:  
«امروز هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه‌ی جهاد و مقاومت دورکند، مردم را نسبت به آرمانها بی‌تفاوت کند؛ هدفشان این است. تبلیغات وسیعی که میلیاردها دارند خرجش می‌کنند، با این هدف انجام می‌گیرد که ملّت ایران را -که با مقاومت خود، با ایستادگی خود توانسته قدرتهای جهانی را، سلطه‌های بزرگ را در بسیاری از خواسته‌هایشان ناکام بگذارد- مأیوس کنند و از صحنه خارج کنند؛ هدف این است. حتّی اگر فشار اقتصادی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار امنیّتی هم می‌آورند، هدف این است.... [اگر] کار امنیّتی می‌کنند، کار روانی می‌کنند، از فضای مجازی استفاده می‌کنند، از ماهواره استفاده می‌کنند، از رادیوها و تلویزیون‌ها استفاده می‌کنند، از مبلّغان دهان‌به‌مزد و سخن‌به‌مزد در اطراف دنیا استفاده می‌کنند، همه با این هدف است.  
خب، در یک چنین شرایطی آن چیزی که می‌تواند ملّت را سَرپا نگه دارد، در آنها شوق و طراوت به وجود بیاورد، یاد شهدا است؛ یعنی از جمله‌ی عوامل مهم، یاد شهدا است؛ لذاست که مسئله‌ی یادبود شهدا و این کنگره‌های بزرگی که برای شهدا تشکیل می‌شود، خیلی مهم است؛ اینها خیلی باارزش است.»[[14]](#footnote-15)   
اینجاست که وظیفه‌ی مساجد با اعضای محترم هیئت امنای آن و روحانی محترم این مسجد باید قدر و جایگاه شهدا را دانسته و برای حفظ و صانت از ان تلاش کنند که یاد و خاطره ‌ی شها می تواند بهترین الگو برای زنده نگه داشتن فرهنگ ایثار و شهادت باشد.

**نتیجه:**مساجد با رویکردی که بعد از انقلاب پیدا کردند و توانستند هم جایگاهی معنوی برای مردم باشند و هم جایگاهی برای امور اجتماعی، یکی از رویکردهایی که مساجد می توانند در ان موثر واقع شوند بحث فرهنگ ایثار و شهادت است.  
مساجد می توانند با ایجاد روحیه‌ی ایثار و شهادت برای جوانان توسط الگوسازی از خود شهدا و همچنین برگزاری یادواره‌ها و یادبود شهدا روحیه‌ی مقاومت و ظلم ناپذیری را در مردم نهادینه ساخته و با پررنگ کردن این فرهنگ یک آنتی ویروس در مقابل سموم و ویروسهایی که دشمنان برای این نظام ایجاد می کنند باشند.  
  
**روضه:**از جمله کسانی را که با روحیه‌ایثار و شهادت در تاریخ می شناسیم آقا قمر بنی هاشم می باشد. امروز دلهامون رو ببریم در خونه‌ این آقایی که تا آخرین لحظه خود را فدایی و جانثار امام خودش قرار داد.السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْدِاللَّهِ وَ عَلَی الاَْرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِناَّئِکَ عَلَیْکَ مِنّی سَلامُ اللَّهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهارُ وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکُمْ

یه شعری گفت مصرع آخرش بدین مضمون بود که ابی عبدالله هم به عباس پناه برد، بلافاصله پشیمون شد، عجب جسارتی کردم، اون امامه، اشرف مخلوقات عالمه، خوابش برد سیدالشهدا(ع) درعالم رویا به او فرمود:  
نه"درست گفتی، بنویس:  
یوم استجار به الهدی ،به خدا منم عاشورا به عباس پناه بردم،حسین ...

دست گداییت و بیار بالا بذار ببینه، دست نداره اما دستگیر همه ی عالمه

یا ابالفضل زدست تو شفا میخواهم

به علاج دل پر درددوا میخواهم

هرکی اومده دردشو آورده، دردمنده دوا می خواد، شفا می خواد بسم الله، دست گدایی شو بالا بیاره صدا بزنه:

یاابالفضل ...

سکینه بچه ها رو جمع کرد اگه بدونید عموم چقدر باوفاست، اگه بدونید عموم چقدر شجاعه، اگه بگه آب میارم حتما میاره کسی حرف از عطش برلب نیاره؛ بچه ها دستاشونو بالا بردن، همه دارن دعا می کنن عمو برگرده، اما یه وقت ببینند یکی صدا زد:" اخا ادرک اخاک"

یاابالفضل ...

راه من ازکثرت دشمن ز هرسو بسته بود  
داغ ها پی درپی وغم ها به هم پیوسته بود  
بس که ازمیدان درون خیمه آوردم شهید  
بود سرتاپای من خونین وزینب خسته بود

بعضی بدنا هنوز جون داشت ابی عبدالله آورد توخیمه دارالحرب، اینا کنار عمه ها جون دادن

هر شهیدی شاهکاری داشت در اینجا ولی  
کارهایت ای برادر جان همه برجسته بود  
تابه سوی خیمه برگردی مگر بامشک آب  
جام در دستش،رقیه منتظر بنشسته بود

حسین ...

دنبال یه بهانه می گشت، بره میدان از امامش دفاع کنه، چندبار آمد اجازه گرفت عرض کرد:"یا سیدی ومولای لقد ضاق صدری"سینم دیگه سنگینی میکنه یه جوری میگی واغربتا" یادته تو تشییع جنازه امام حسن؛ همه رو به یه امیدی نگه داشتم این جا تلافی کنم، تو مدینه هم که نبودم از مادرت دفاع کنم" شب آخر عمر بابامون علی هم که یادته خود بابا به همه ی ما سفارشاتی کرد اما وقتی خواهرم آمد گفت:بابا دلم میخواد یه دونه از برادرا رو کفیل من قرار بدی تو هی خیره خیره نگاه کردی اما من دلم میخواست زینب منو انتخاب کنه بابامون صدا زد من عباسم بیام،زینبم اومد فرمود:دخترم دلت میخواد عباس رو کفیلت کنم؟آره بابا" این همه سال دلم میخواست تلافی کنم اجازه نداد ابی عبدالله بغلش کرد"فرمود:"انت صاحب لوائی"تو پرچمدار منی ... اگه پرچمدار زمین بخوره یعنی دیگه تمامه،تا تو هستی بچه ها دلشون خوشه

ای دل خوشی حرم منو تنها نذار  
پا رو دلم نذار،زینبو تنها نذار  
یه وقت دید یه دختری خسته، خرامان خرامان داره راه میاد یه مشکی رو هم داره دنبال خودش رو زمین می کشه، نگاه کرد دید سکینه ست، خوشحال شد،آخه این دختر یه جوری با بابا حرف میزد که هروقت هر خواسته ای داشت ابی عبدالله نه نمیگفت،خیلیم عموشو دوست داره می دونه آرزوی عموش چیه، تااومد جلو گفت: بابا بگو عمو بره آب بیاره، اینجا دیگه حسین نتونست بهونه ای بیاره؛ صدا زد برادرم اگه میخوای بری، برو اما"فاطلب لهولاء الاطفال الماء" فقط برو آب بیار، خوشحال شد،مشکو به دوش انداخت تا سوار شد چهار هزارنفر محاصرش کردن، فقط این جوری بگم اگر یک دهم این تیرها به عباس خورده باشه دیگه بسه،اگه فقط چهارصد نفر تیر بهش بزنند دیگه چیزی نمیمونه از این بدن" وارد شریعه شد، همه دارن فرار می کنند،مشکشو پر آب کرد، سوار شد مسیرشو عوض کرد، گفت: از نخلستون میام زودتر برسم، راه امن تریه،کربلا رفته باشی بهت نشون میدم باب الفرات که وارد حرم عباس شدی اونجا همون جاییه که زمین گیرش کردند داره برمیگرده چه کردند؟نمیگم،فقط همین قدر بگم دست در بدن نداشت" مشکو به دندان گرفت، تا تیر به مشک زدند سینه ی عباس هم نمایان شد،یه تیر به سینش زدند اما هنوز دوام داره،چه کردند؟یا صاحب الزمان!اینجا نمیدونم حرمله بودیانه؟هر جاسپیدی میدید با تیرسه شعبه میزد،سپیدی چشم عباس رو اینجا نشونه گرفت"سفیدی گلوی علی اصغر هم اونجا نشونه گرفت،یه سپیدی هم عصر عاشورا نشانه گرفت؛همینکه ابی عبدالله قدری خواست استراحت کنه،تیری به پیشانی حسین زدن خون سر و صورتش رو گرفت؛این لباساشو بالا زد خون هارو پاک کنه سپیدی قلب حسین نمایان شد ...

خدا لعنتت کنه،یه جوری تیر می زد دیگه نمی شد تیرو از مقابل در آورد، تا تیرو به چشم عباس زد، دست نداشت این تیرو دربیاره، این سر رو گذاشت مقابل زانوهاش بلکه بتونه با نوک زانوها این تیرو دربیاره کلاه خود از سر عباس افتاد"اینجا دیگه با عمود آهن زدند"حسین ...  
دیگه نتونست خودشو رو اسب نگه داره،بابا اگه کسی بخواد از بالای بلندی به زمین بیفته اول دستاشو سپر میکنه،اما این آقا دست در بدن نداشت تا عمود رو زدن با همون تیری که به چشمش رفته بود چنان با صورت به زمین افتاد ..[[15]](#footnote-16)

1. و ما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لآ إله إلآ انا فاعبدون.[انبیاء/25]   
   و روایت پیامبر اکرم (ص) که می فرمایند: «يا قومي قولوا لا إله إلا الله تفلحوا (مجلسي، بحار الانوار، ج9، باب اول، ص143.» [↑](#footnote-ref-2)
2. سوره ی توحید، سوره انبیاء، سوره‌ی حمد [↑](#footnote-ref-3)
3. مرتضی مطهری،مجموعه آثار، ج20، ص251. [↑](#footnote-ref-4)
4. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي (ط – الإسلامية)، 1407 ق، ج5، ص12. [↑](#footnote-ref-5)
5. بیانات در جمع ائمه جماعات تهران، 31/5/1395 [↑](#footnote-ref-6)
6. صحیفه امام خمینی، ج8، ص282. [↑](#footnote-ref-7)
7. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی(۱۳۸۹/۰۱/۰۱). [↑](#footnote-ref-8)
8. بیانات در دیدار مردم قم(19/10/1375). [↑](#footnote-ref-9)
9. معين، محمد، فرهنگ معين، چاپ هفتم، تهران، نشر سپهر، ج 1، ص 412. [↑](#footnote-ref-10)
10. کشّاف، ج۱، ص۷۳۹. [↑](#footnote-ref-11)
11. مجموعه آثار شهید مطهری . ج24، ص44. [↑](#footnote-ref-12)
12. وسائل الشيعه، ج 11، ص 8. [↑](#footnote-ref-13)
13. ابوذر کاظمیان، فوکویاما کدخدا آمریکاست، برنده نبرد آخرالزمان شیعیان هستند، سایت رهروان ولایت. [↑](#footnote-ref-14)
14. بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی، (۱۳۹۵/۰۷/۰۵). [↑](#footnote-ref-15)
15. استاد میرزا محمدی [↑](#footnote-ref-16)